Archive of SID

نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی و تحولات اجتماعی

اعظم راودراد*

(تاریخ دریافت ۹۴/۰۳/۲۹، تاریخ پذیرش۹۵/۱۱/۲۰)

چکیده: در این مقاله با مقایسه یافته‌های دو تحقیق در مورد نمایش‌نامه‌های ایرانی در دو دوره متفاوت نشان داده شده است که چگونه شرایط اجتماعی بر روی سبک و مضمون نمایش‌نامه‌های نوشته شده در هر دوره تاثیر گذاشته و آن‌ها را تغییر داده است. این تحقیق در حوزه نظری جامعه‌شناسی هنر نوشته شده است و چهارچوب نظری آن، رویکرد بازتاب است. روش به کار رفته در هر دو تحقیق، ترکیبی از پیمایش و مطالعه اسنادی بوده است که در این مقاله یافته‌های آن‌ها با هم مقایسه شده است. این مقایسه نشان داد که در رابطه میان سبک و مضمون غالب نمایش‌نامه‌ها با طبقه هنرمندان و شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم در دو دوره، تغییرات اساسی رخ داده است، به این ترتیب که سبک و مضمون نمایش‌نامه‌های نوشته شده در سال ۱۳۶۹ تابعی بوده است از ویژگی‌های طبقاتی هنرمند و نیز ویژگی‌های سیاسی اجتماعی زمان. نمایش‌نامه‌نویسان متعلق به طبقه پایین بیشتر با مضامین غیراجتماعی و سبک‌های غیررئالیستی کار می‌کردند و برعکس نویسندگان متعلق به طبقه بالا بیشتر با مضامین اجتماعی و سبک‌های رئالیستی کار می‌کردند. همچنین سبک و مضمون آثار نوشته شده در این دوره با شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر آن، که به چهار زیردوره تقسیم شده، هماهنگ بوده است.

از طرف دیگر یافته‌های تحقیق سال ۱۳۸۹ چنین رابطه‌ای را نشان نمی‌دهد. برعکس، تحقیق دوم نشان داد که نوعی یک‌دستی در میان نمایش‌نامه‌نویسان از هر نظر شکل گرفته است به طوری که توزیع نسبت سبک‌های رئالیستی و غیررئالیستی و مضامین اجتماعی کلان و مضامین اجتماعی خرد در آثار این نویسندگان، صرف‌نظر از طبقه اجتماعی آن‌ها و دوره‌های مختلف سیاسی جامعه، تقریبا یکسان است. دلایل این یک‌دستی که با دوره اول مطالعه تفاوت اساسی دارد، در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است.

*استاد ارتباطات دانشگاه تهران ravadrad@ut.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مفاهیم کلیدی: جامعه‌شناسی هنر، سبک و مضمون نمایش‌نامه، رویکرد بازتاب، طبقه اقتصـادی- اجتمـاعی، نمایش‌نامه‌نویسان.

مقدمه و طرح مساله

در این مقاله یافته‌های دو تحقیق که با فاصله بیست سال از هم دربارهٔ نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی انجام شده است با هم مقایسه خواهد شد. هدف از انجام این مقایسه نشان دادن چگونگی تاثیرگذاری شرایط اجتماعی بر سبک و مضمون نمایش‌نامه‌های نوشته شده در دوره‌های مختلف و تحلیل علت تغییرات است.

در سال ۱۳۶۹ مطالعه‌ای دربارهٔ ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمایش‌نامه‌نویسان تهرانی انجام شده بود و در آن تحقیق نتایج جالب توجهی به دست آمده که نشان دهنده رابطه معنی‌دار میان ویژگی‌های نمایش‌نامه‌نویسان با سبک و مضمون آثار و نیز رابطه شرایط سیاسی اجتماعی غالب با سبک و مضمون آثار بود.

تحقیق دیگری در سال ۱۳۸۹ و به فاصله بیست سال از تحقیق اول انجام شد که در آن هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری میان این مولفه‌ها مشاهده نشد و تقریبا تمامی آزمون‌های آماری با عدم معناداری متغیرها مواجه شد. استدلال در باره علت این بی‌ارتباطی که مخالف تقریبا تمامی ادبیات نظری جامعه‌شناسی هنر و نیز تحقیقات مشابه دیگر است، جز با مقایسه دو تحقیق در فاصله زمانی ۲۰ سال ممکن نیست. باید دید در طول این دوره چه عواملی ثابت مانده و چه عواملی تغییر کرده است که اینچنین یافته‌های دو تحقیق در تناقض با هم قرار گرفته است.

لازم به توضیح است که یافته‌های تحقیق دوم در مقاله‌ای مستقل به چاپ رسیده است (راودراد، ۱۳۹۵). به همین دلیل و برای جلوگیری از تکرار مطالب در این مقاله یافته‌های تحقیق اول به صورت مشروح توضیح داده خواهد شد و یافته‌های تحقیق دوم به صورت خلاصه. سپس نتایج تحلیلی در یک جدول مقایسه‌ای خلاصه و تبیین می‌شوند. در تبیین نتایج دلایل اجتماعی این تناقض‌ها مورد بحث قرار خواهد گرفت. قبل از آن در ادامه مقاله ابتدا پیشینه تاریخی موضوع و چهارچوب نظری تحقیق ارائه می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

پیشینه تاریخی موضوع

در کتاب چهار جلدی آرنولد هاوزر با عنوان "تاریخ اجتماعی هنر" (۱۳۶۱)، کوشش شده است که روابط میان هنر و جامعه از نظر تاریخی تبیین شود. در این کتاب هاوزر به بررسی شرایط اقتصادی اجتماعی ظهور هر کدام از سبک‌های هنری در طول تاریخ هنر پرداخته است. در کتاب "خدای پنهان" لوسین گلدمن (۱۹۶۴)، تأثیر شرایط ایدئولوژیک فرانسه قرن هفدهم بر روی نمایش‌های راسین و فلسفهٔ پاسکال بررسی شده است. لوکاچ در "معنای رئالیسم معاصر" (۱۳۴۹)، دو مکتب ادبی رئالیسم و مدرنیسم را با هم مقایسه می‌کند و شرایط اجتماعی- سیاسی خاصی را به هریک نسبت می‌دهد. به‌طور خلاصه، بحث اصلی این است که تغییراتی که در سبک‌ها و مضامین هنری روی می‌دهد، به‌وسیلهٔ تغییراتی که در نظم اجتماعی معاصر آن‌ها روی می‌دهد تعیین می‌شود، به این معنی‌که از یک قانون درونی ویژهٔ هنر پیروی نمی‌کند.

این‌ها تحقیقات کلاسیک این حوزه بود. اما تحقیقات زیادی در دوران معاصر انجام شده است که همگی بر چگونگی بازتاب مضامین اجتماعی و تحولات آن‌ها در آثار هنری متمرکز شده‌اند. به عنوان مثال ویکتوریا الکساندر در کتاب «جامعه‌شناسی هنرها» (۱۳۹۰) مطالعه‌ای موردی را با عنوان «بازتاب نژاد در کتاب‌های کودکان» تشریح کرده و توضیح داده است که محققان «در پی فهم این مسئله بودند که تغییر روابط نژادی در جامعه آمریکایی، چگونه در هنر آن بازتاب یافته بود» (ص: ۷۶). در ایران بیشتر تحقیقات بازتابی، در حوزه سینما انجام شده است. به عنوان مثال راودراد و حیران‌پور (۱۳۹۱) در مقاله‌ای، تحولات بازتاب جنگ در سینمای ایران را مطالعه کرده و نشان داده‌اند که چگونه به تناسب دوره‌های تاریخی همزمان با جنگ و پس از جنگ، بازتاب جنگ در سینما، از نمایش دلاوری‌های رزمندگان ایرانی در زمان جنگ به نمایش مشکلات اجتماعی اقتصادی پیامد جنگ تغییر کرده است. همچنین اجلالی (۱۳۷۴) در رساله دکترای خود کوشید با استفاده از نظریه ساختارگرایی گلدمن، رابطه محتوای فیلم‌ها را با آنچه در جامعه رخ می‌دهد نشان دهد. حسینی‌زاد (۱۳۷۴) نیز در تحقیق خود با عنوان «تحولات اجتماعی در سینمای ایران»، هدفش را اثبات ارتباط جامعه و سینما و تحلیل این ارتباط قرار داده است. در تحقیق آرمین امیر (۱۳۸۵) نشان داده شده است که چگونه در هر دوره زمانی فیلم‌ها توانسته‌اند واقعیت جامعه ایرانی را به تصویر بکشند. سرانجام مهدیس امیری در تحقیق خود با عنوان «مطالعه قهرمان سینمای موج نوی ایران» با مقایسه تصویر قهرمان در دو دوره قبل و بعد از موج نوی سینمای ایران نشان داده است که بسیاری از روی‌دادهای اجتماعی معاصر فیلم‌ها مستقیم یا غیرمستقیم در آن‌ها بازتاب یافته‌اند که مهم‌ترین آن تغییر خصوصیات قهرمان فیلم‌ها از تیپ «علی بی‌غم» به «قیصر» است.

www.SID.ir

Archive of SID

در مقاله حاضر با گزارش دو مطالعه از نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی در دو مقطع زمانی اوایل انقلاب (سال ۶۹) و بیست سال پس از آن (سال ۸۹)، سعی شده است که رابطه میان آثار و جامعه معاصرشان با رویکرد بازتابی توضیح داده شده و تبیین شود.

چهارچوب نظری تحقیق: رویکرد بازتاب

جامعه‌شناسان هنر بسیاری در رویکرد بازتاب معتقدند که شرایط، ویژگی‌ها و تحولات اجتماعی در آثار هنری معاصرشان بازتاب داده می‌شوند و با نقد جامعه‌شناختی می‌توان به شناخت مناسبی از جامعهٔ معاصر آثار هنری رسید. در این رویکرد عقیده بر این است که هنر حاوی اطلاعاتی دربارهٔ جامعه است. ویکتوریا الکساندر[1] در کتاب «جامعه‌شناسی هنرها» به‌طور مفصل در بارهٔ این رویکرد سخن می‌گوید. وی معتقد است که «رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه‌ای گسترده از تحقیقات است مبتنی بر این عقیدهٔ مشترک هستند که هنر آیینهٔ جامعه است یا هنر به واسطهٔ جامعه مشروط شده یا تعین می‌یابد» (الکساندر، ۲۰۰۳: ۲۱). این رویکرد دارای پیشینهٔ طولانی در جامعه‌شناسی است و با تمرکز بر نگاه جامعه‌شناختی به هنر، به مطالعه و آموختن دربارهٔ جامعه می‌پردازد.

آرنولد هاوزر (۱۳۷۵)، گئورگ لوکاچ (۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸) و لوسین گلدمن (۱۳۷۱، ۱۳۷۶، ۱۳۸۰) از بنیانگذاران حوزهٔ جامعه‌شناسی هنر همگی دیدگاهی بازتابی داشتند. نقطهٔ مشترک بحث آن‌ها رابطهٔ بازتابی میان جامعه و هنر بود، اگرچه در جزییات بحث با هم تفاوت‌هایی هم داشتند.

در نزد این جامعه‌شناسان، هنر پدیده‌ای اجتماعی و متأثر از جامعه بوده و تغییرات آن نیز متأثر از تغییرات جامعه است. در هر یک از مراحل حیات اجتماعی سبک‌ها و مضمون‌های پدید آمده بیان‌گر شرایط اجتماعی خاص و جهان‌بینی‌های گروه‌های خاص است. به همین دلیل، تغییر شرایط اجتماعی و برتری یک نوع جهان‌بینی از سایر آن‌ها، موجب تغییر در مضامین و به‌خصوص سبک‌های هنری می‌شود. درست است که شرایط اجتماعی و مادی تعیین‌کنندهٔ انواع و سبک‌های هنر در جامعه است، ولی این رابطه مستقیم نیست، بلکه از طریق تأثیر جهان‌بینی و ایدئولوژی گروه که به هنرمند انتقال می‌یابد اعمال می‌شود. هنرمند در واقع در اثر خود، جهان‌بینی و آمال و آرزوهای گروه اجتماعی را که خود متعلق به آن است منعکس می‌سازد که این جهان‌بینی گروهی خود متأثر از شرایط مادی حیات آن گروه اجتماعی است. با توجه به این‌که به گفتهٔ گلدمن گروه‌های اجتماعی معمولاً روند تبدیل شدن به طبقات اجتماعی را دارند، می‌توان گفت سبک‌های هنری به طبقات

[1] . Victoria, D Alexander

www.SID.ir

Archive of SID

اجتماعی وابسته‌اند. تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه بر هنر را هنگامی می‌توان مشاهده کرد که سبک‌های هنری و مضامین غالب آثار هنری در این شرایط تغییر می‌کنند.

بازتاب جامعه در هنر امری پیچیده و چند بعدی است که بسته بـه شـرایط گونـاگون اجتمـاعی ممکن است در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد مشاهده شود. نیـز چنـین بازتـابی ممکـن اسـت بخش‌های خاصی از واقعیت را دربر بگیرد و بخش‌های بسیاری را نادیده انگارد. بنابراین تصور این‌که جامعه همان‌طور که هست در آثار هنری بازتاب داده می‌شود تصوری خام و ساده‌اندیشانه است.

لوکاچ در نظریه بازتاب فکر بر تاثیر شرایط وجودی زندگی بر آثار هنری معاصر آن‌ها تاکید می‌کند. به نظر وی درک جهان خارجی از طریق بازتاب آن در آگاهی ممکن می‌شود. آثار هنری به عنوان ابزار شناختی از این قاعده مستثنی نیستند. آن‌ها هم بازتاب واقعیت‌اند (لوکاچ، ۱۹۷۴: ۲۵). اما سوال این است که آیا آثار هنری بازتاب مستقیم جهان خارجی‌اند؟ پاسخ لوکاچ به این سوال منفی است. به عقیده وی اگر چه بازتاب‌های مستقیم به عنوان نقطه شروع برای همه معرفت ها مهم هستند، اما آن‌ها تنها پیش‌زمینه‌های روند دانش را، و نه همه آنچه را این روند دربر می‌گیرد، فراهم می‌آورند (همان: ۳۴). مهم‌ترین مفهومی که لوکاچ برای بررسی بازتاب واقعیت در هنر به کار می گیرد مفهوم جهان‌بینی است. وی معتقد است که مهم‌ترین اثر هنری هر عصر به عنوان فیلتری برای تجربه مشترک عمل می‌کند (دووینو، ۱۹۷۲: ۳۸). از نظر لوکاچ تفاوت رئالیسم و مدرنیسم در شرایط اجتماعی معاصرشان و جهان‌بینی‌های متفاوتی است که از این شرایط پیروی می‌شود. بنابراین در این مقاله، به تاسی از لوکاچ، از رویکرد بازتاب برای تحلیل یافته‌های دو تحقیق که در ادامه می‌آید و مقایسه یافته‌ها با هم استفاده خواهد شد.

تحقیق اول: بررسی جامعه‌شناختی هنرمندان نمایش‌نامه‌نویس تهرانی (سال ۱۳۶۹)

روش تحقیق

در سال ۱۳۶۹، زمانی که هنوز آمار دقیقـی از تعـداد و اسـامی هنرمنـدان نمایشـنامه‌نـویس در دسترس نبود، فهرستی از این نویسندگان بـا اسـتفاده از روش گلولـه برفـی تهیـه شـد. جمـع‌آوری اطلاعات با پرسش از چند هنرمند شناخته شده و مطرح شروع شـد و از آن‌هـا خواسـته شـد دیگـر نمایش‌نامه‌نویسان را معرفی کنند. سپس از معرفی شدگان در مورد دیگران پرسش می‌شد که به این ترتیب نهایتاً فهرستی از ۴۴ نمایشنامه‌نویس حاصل شد. سپس تلاش شد تا با تمامی آن‌ها مصاحبه بعمل آید که به دلایل مختلف تنها امکان مصاحبه با ۲۰ نفر فراهم شد.

فرضیه‌های تحقیق این بود که اولا سبک و مضمون نمایش‌نامه‌ها تابعی است از طبقه اقتصادی اجتماعی هنرمندان و ثانیا میان شرایط اجتماعی و سبک و مضمون نمایش‌نامه‌ها رابطه وجود دارد. برای

www.SID.ir

Archive of SID

آزمون فرضیه دوم ناچار شرایط اجتماعی ایران در دوره دوازده ساله پس از انقلاب نیز مطالعه و دوره‌بندی شد تا امکان مقایسه با سبک و مضمون آثار و تاثیر شرایط در آن‌ها فراهم شود.

بیان یافته‌ها

ابتدا لازم است شرایط اجتماعی دوره مورد مطالعه توضیح داده شود تا بتوان یافته‌ها را با آن مقایسه کرد. بارزترین ویژگی نظام سیاسی اجتماعی این دوره، در مقایسه با دوره قبل عبارت از نقشی است که عامل مذهب در اساس نظام بازی می‌کند. با وقوع انقلاب اسلامی، نظام جدیدی مبتنی بر اصول مذهب در جامعه حاکم گشت که این ویژگی آن را از دوره ماقبلش به کلی جدا می‌کند. این دوره دوازده ساله خود قابل تقسیم‌بندی به دوره‌های کوچک‌تری است که ویژگی‌های متفاوتی داشته‌اند.

لازم به توضیح است که در تحقیق اولیهٔ این گزارش (راودراد، ۱۳۶۹)، مبنای دوره‌بندی، نقاط عطف تاریخی بود و ویژگی‌های هر دوره با مراجعه به تقویم‌های متعددی که روی‌دادهای مهم انقلاب را پوشش داده بودند و نیز تجربه شخصی نویسنده از زندگی در این دورآن‌ها تعیین شده بود که در گفت‌وگو با چند تن از صاحب‌نظران در همان زمان به تایید رسیده بوده است. دلیل این کار این بوده که در آن زمان هیچ دوره‌بندی مشخصی از تحولات انقلاب صورت نگرفته بود و هنوز مسائل اجتماعی و انقلابی در قالب اندیشه نظریه‌پردازی نشده بود.

مقطع اول از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ ایران و عراق در مهرماه ۱۳۵۹ است. خصوصیات این مقطع عبارت بوده است از: آغاز تثبیت نظام سیاسی جدید، فضای باز سیاسی، شور و شوق انقلابی و وحدت و یک‌پارچگی مردم، ظهور ارزش‌های جدید مذهبی و انقلابی و ضد غربی و تحمل فشارهای اقتصادی توسط مردم جهت حفظ و تداوم انقلاب. در این مقطع به دلیل شکل‌گیری پایه‌های نظام، عامل سیاسی مهم‌ترین عوامل بوده و سایر مسائل را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود.

مقطع دوم از آغاز جنگ در مهرماه ۵۹ تا فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱. خصوصیات جامعه در این مقطع عبارت بوده است از تقویت نظام سیاسی جدید در داخل کشور، آغاز محدود شدن فضای باز سیاسی به علت آغاز ترور رهبران سیاسی، تقویت ارزش‌های انقلابی و مذهبی، ظهور وضعیتی به نام "فرهنگ جبهه" و تحمل فشارهای اقتصادی توسط مردم جهت حفظ و تداوم انقلاب. در این مقطع نیز عامل سیاسی و به طور مشخص جنگ از سایر عوامل مهم‌تر بوده و آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده بود.

مقطع سوم، از فتح خرمشهر در سوم خرداد ۶۱ تا قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مرداد ماه ۶۷. ویژگی‌های این مقطع عبارت بوده است از بسته شدن فضای باز سیاسی به دلیل مشکلات

www.SID.ir

Archive of SID

مربوط به جنگ و ادامه ترورها، شروع طرح ارزش‌های غیرانقلابی و غیرمذهبی در برابر ارزش‌های انقلابی و مذهبی، نابسامانی اقتصادی و گسترش شکاف طبقاتی بر اساس آمارهای داده شده در همان زمان، کم شدن انگیزه مردم برای تحمل فشارهای اقتصادی و طرح مسائل و مشکلات غیرسیاسی و عمدتا اقتصادی از جمله گرانی مسکن. در این مقطع طرح مسائل اقتصادی و مشکلات ناشی از آن بر عوامل سیاسی و عمدتا جنگ تا حدودی غالب شده بود.

مقطع چهارم از قبول قطعنامه در مرداد ۶۷ تا آغاز سال ۱۳۷۰. ویژگی‌های این مقطع عبارت بوده است از وجود فضای سیاسی باز در مقایسه با زمان جنگ، ولی عدم تمایل به فعالیت سیاسی در میان گروه‌ها، گرایش به بی‌تفاوتی در باب مسائل سیاسی، باقی ماندن و تشدید مشکلات اقتصادی برای اقشار کم درآمد و عقب‌نشینی ارزش‌های انقلابی و اسلامی و گرایش به ارزش‌های غیرانقلابی. در این مقطع عامل فرهنگی نسبت به عوامل دیگر در اولویت قرار گرفته بود.

در مجموع مشاهده می‌شود که در این دوره دو روند اساسی در شرایط اجتماعی وجود داشت که می‌توانستند نقش تعیین کننده در آثار هنری داشته باشند. این دو عبارت بودند از اول، روند بسته شدن فضای باز سیاسی و دوم روند ایجاد و گسترش و سپس عقب‌نشینی ارزش‌های انقلابی و اسلامی.

ویژگی‌های کلی نمایشنامه‌نویسان در دوره ۱۲ سال پس از انقلاب اسلامی

از مجموع ۴۴ نویسنده فعال در دوره مورد نظر با ۲۰ نفر از آن‌ها مصاحبه شد. این یعنی ۴۶٪ از کل جامعه آماری که نسبت خوبی است. اگر چه به دلیل کمتر بودن این تعداد از حداقل مورد نیاز برای انجام محاسبات آماری (۳۰ نفر) نتایج را باید تنها در مورد افراد مورد مطالعه صادق دانست و قابل تعمیم به همه نویسندگان آن زمان نیست.

تنها یک نفر از نمایشنامه‌نویسان تهرانی مطالعه شده در این دوره زن و بقیه مرد بودند. از این میان ۵۵٪ متولد شهرستان و ۴۵٪ بقیه متولد تهران بوده اند. ۸۰ درصد هنرمندان دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند و غالبا نیز در همین رشته (تئاتر) تحصیل کرده بودند. ۹۰٪ آن‌ها ازدواج کرده بودند و از میان ۲۰ هنرمند، فقط ۷ نفر دارای منزل مسکونی شخصی بودند و بقیه در منزل اجاره‌ای یا رهنی زندگی می‌کردند.

میانگین سنی این گروه ۳۶,۷ سال و میانه سنی ۳۷ سال بوده است. پدران این هنرمندان دارای مشاغل متنوعی چون ارتشی، رانندگی، قنادی، کارمندی، کاسبی، آب‌میوه گیری، تجارت، دهقانی و نجاری بوده‌اند و ۹۰ درصد مادران نیز خانه‌دار بوده‌اند. از نظر طبقه اقتصادی اجتماعی نتایج نشان داد که ۴ نفر از نویسندگان در طبقه بالا، ۱۰ نفر در طبقه متوسط و ۶ نفر در طبقه پایین قرار

www.SID.ir

Archive of SID

داشته‌اند. شاخص طبقه از ترکیب متغیرهای درآمد ماهیانه نویسنده، نوع منزل مسکونی فعلی و بعد خانوار و نیز پایگاه حرفه‌ای فرد به معنای میزان معروفیت او نزد سایر هنرمندان، محاسبه شد.

رابطه طبقه اقتصادی-اجتماعی نمایش‌نامه‌نویسان با سبک و مضمون آثار

نحوه تعیین سبک و مضمون آثار نویسندگان به این ترتیب بود که از هر کدام از آن‌ها در باره سبک و مضمون آثار خود و ۱۹ نفر دیگر پرسش بعمل آمد. علاوه بر آن از هر نویسنده حداقل یک نمایشنامه (و در غالب موارد ۲ نمایشنامه) که خودش آن را به عنوان شاخص آثارش معرفی کرده بود مطالعه شد. در مجموع برآیند نظریات سایر نویسندگان، نظر خود نویسنده و نیز نظر محقق پس از مطالعه شاخص آثار نویسنده، تعیین کننده سبک و مضمون آثار خاص هر نویسنده بوده است.

سبک‌های نمایشنامه نویسی رایج در میان این نمایشنامه‌نویسان شامل رئالیسم، اکسپرسیونیسم، سمبولیسم، سوررئالیسم، کلاسیسیسم و پوچی می‌شد. سبک رئالیسم، سبکی است که در آن روابط واقعی اجتماعی معاصر بیان می شوند. قهرمانان داستان خود نمونه تیپ‌های مختلف در جامعه هستند و متن دارای یک چارچوب اجتماعی مشخص از حیث زمان و مکان می‌باشد. قهرمانان اثر معمولا از میان افراد معمولی و متوسط جامعه انتخاب میشوند و خصوصیات کلی و تیپیک به آن‌ها داده می‌شود. معمولا وقایع همان‌گونه که در دنیای واقعی به وقوع می‌پیوندند، با رعایت اصول دراماتیک در اثر نمایش داده می‌شوند[1] (مثال: نمایشنامه منجی در صبح نمناک نوشته اکبر رادی).

در سایر سبک‌ها برخی از این ویژگی‌ها غایب است به همین دلیل آن‌ها را در مجموعه سبک‌های غیررئالیستی قرار داده‌ایم. در سبک اکسپرسیونیسم نحوه نمایش روابط اجتماعی به صورتی غیرواقعی و برخاسته از تعبیرات ذهنی هنرمند می‌باشد (مثال: نمایشنامه چشم آبی اقیانوس نوشته فرشاد فرشته حکمت). در سبک سمبولیسم هنرمند سعی می‌کند عقاید خود را از طریق استفاده از سمبل‌های خاص، در اثر هنری مطرح نماید (مثال: نمایشنامه بازگشت لکوموتیوران نوشته عبدالحی شماسی). در سبک سوررئالیسم نکات نامکشوف روح قهرمان اثر به نمایش گذارده می شود و این قسمت است که آن را از رئالیسم جدا می‌سازد (مثال: نمایشنامه غروب یک برکه، نوشته حسین فرخی). در سبک کلاسیسیسم گذشته تاریخی جامعه اعم از مذهبی و ملی و اسطوره‌ای در چارچوبی تاریخی بیان می‌شود (مثال: نمایشنامه شکست غروب نوشته محمد شالچی). سرانجام در سبک پوچی موقعیت کلی انسان در جهان با دیدگاهی منفی بیان می‌شود (مثال: نمایشنامه بودن از نبودن نوشته منصور کوشان).

[1]. برای مطالعه سبک‌های مهم ادبی جهان، ر. ک. سید حسینی، رضا: مکتب‌های ادبی، انتشارات نگاه (نیل): ۱۳۶۶

www.SID.ir

Archive of SID

از ۲۰ هنرمند مورد مطالعه ۹ نفر دارای سبک رئالیسم بودند و بقیه به ترتیب اهمیت در سبک‌های سمبولیسم (۴ نفر)، کلاسیسیسم (۳ نفر)، اکسپرسیونیسم (۲ نفر) و سوررئالیسم و پوچی (هر یک ۱ نفر) کار می‌کردند. اگر سبک‌های فوق را در دو مقوله کلی رئالیسم و غیررئالیسم قرار دهیم، نتیجه آن می‌شود که ۵۵ درصد از نویسندگان دارای سبک‌های غیر رئالیستی و ۴۵ درصد آن‌ها دارای سبک رئالیستی بوده‌اند.

مقایسه سبک‌های نویسندگان با طبقه اقتصادی-اجتماعی آن‌ها نشان داد که در اکثر موارد افراد طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا در سبک رئالیسم و افراد طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین در سبک‌های غیررئالیستی می‌نوشتند. به این ترتیب میان دو متغیر طبقه اقتصادی-اجتماعی نویسنده و سبک وی رابطه مستقیم وجود داشت (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: رابطه میان طبقه اقتصادی اجتماعی نمایش‌نامه‌نویسان و سبک آن‌ها

طبقه / سبک	بالا		متوسط		پایین		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
رئالیسم	۳	۷۵	۵	۵۰	۱	۱۷	۹	۴۵
غیررئالیسم	۱	۲۵	۵	۵۰	۵	۸۳	۱۱	۵۵
جمع کل	۴	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۶	۱۰۰	۲۰	۱۰۰

مضمون، موضوع و فکری است که در اثر مطرح می‌شود. این مضامین به پنج دسته تقسیم شدند. مضامین سیاسی اجتماعی مرتبط با بیان شرایط اجتماعی معاصر با در نظر گرفتن طبقه حاکمه و دیدگاه قهرمانان نمایش نسبت به آن (مثال: نمایشنامه منجی در صبح نمناک نوشته اکبر رادی)، یا در رابطه با انقلاب ایران و سایر انقلاب های جهان است (مثال: نمایشنامه آهسته با گل سرخ نوشته اکبر رادی). مضامین جنگی مرتبط با جنگ ایران و عراق است به هر صورتی که در نمایش به این موضوع اشاره شده باشد (مثال: نمایشنامه قبل از انفجار نوشته حسین فرخی). مضامین صرفا اجتماعی که در آن بدون اشاره به طبقه حاکم، به مسائل خرد اجتماعی؛ مانند فرهنگ عشایری، مسائل خانوادگی و عاطفی پرداخته می‌شود (مثال: نمایشنامه دلی بای و آهو نوشته عباس معروفی) یا شخصیت‌ها در موقعیت‌های تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند (مثال:نمایشنامه کیسه بوکس نوشته علی مؤذنی). مضامین تاریخی اغلب یا اقتباسی و اسطوره‌ای هستند (مثال: نمایشنامه میهمانی نوشته قدرت ا... پدیدار)، یا بیان تاریخ معاصر است (مثال نمایشنامه آوای جنگی نوشته فرامرز طالبی)، یا این‌که تاریخ مذهبی مورد توجه است (مثال: نمایشنامه میلاد نوشته علاءالدین رحیمی). سرانجام در مضامین فلسفی، یا مسائل بشریت به طور کلی مورد توجه است

www.SID.ir

Archive of SID

(مثال: نمایشنامه عمری در بازی نوشته حسین جعفری)، یا آراء و عقاید فلسفی و مذهبی و عرفانی در نمایشنامه طرح می‌شود (مثال: نمایشنامه تبعیدی نوشته اعظم بروجردی).

توزیع مضامین نمایشنامه‌ها به ترتیب اهمیت شامل مضامین فلسفی (۸ نفر)، سیاسی اجتماعی (۴ نفر)، مضامین اجتماعی (۵ نفر)، مضامین تاریخی (۲ نفر) و مضامین جنگی (۱ نفر) می‌شده است. اگر مجموعا مضامین را به دو گروه کلی مضامین اجتماعی (اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و به طور کلی مضامین عینی) و مضامین غیراجتماعی (اعم از فلسفی، عرفانی، انسانی، مذهبی و به طور کلی مضامین ذهنی) تقسیم کنیم، نتیجه این می‌شود که نیمی از نویسندگان در مضامین اجتماعی و نیمی دیگر از آن‌ها در مضامین غیراجتماعی قلم می‌زدند (در هر دسته ۱۰ نفر). مقایسه مضامین با طبقه اقتصادی-اجتماعی نشان داد که نویسندگان طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا بیشتر به طرح مضامین اجتماعی و نویسندگان طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین بیشتر به طرح مضامین غیراجتماعی می‌پرداختند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: رابطه میان طبقه اقتصادی اجتماعی نمایش‌نامه‌نویسان و مضمون آثار آن‌ها

طبقه / مضمون	بالا		متوسط		پایین		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اجتماعی	۳	۷۵	۵	۵۰	۲	۳۳	۱۰	۴۵
غیراجتماعی	۱	۲۵	۵	۵۰	۴	۶۷	۱۰	۵۵
جمع کل	۴	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۶	۱۰۰	۲۰	۱۰۰

در مجموع رابطه میان سبک و مضمون آثار با طبقه اقتصادی-اجتماعی نویسندگان این نتیجه حاصل شد که نویسندگان طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا با سبک رئالیسم و مضامین اجتماعی و نویسندگان طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین با سبک‌های غیررئالیستی و مضامین غیراجتماعی کار می‌کرده‌اند. نتیجه کلی این مقایسه این است که سبک و مضمون انتخابی هنرمند تابعی از طبقه اقتصادی-اجتماعی اوست.

این یافته به نظر با ادبیات تحقیق در تضاد و نیازمند توضیح است. در دیدگاه افرادی چون لوکاچ این رابطه برعکس است و افراد طبقات بالا غیررئالیستی و طبقات پایین رئالیستی می‌نویسند. اما نکته اینجاست که طبقه بالا در این تفکر طبقه حاکم است و طبقه پایین، تحت سلطه. همین حاکم یا تحت سلطه بودن است که نوع مضامین را تعیین می‌کند زیرا سبک رئالیسم رو به آینده دارد و تغییر را می‌طلبد در حالی که طبقه حاکم نیاز به استمرار و ثبات دارد. اما در ایران بلافاصله پس از انقلاب طبقه پایین در واقع حاکمیت پیدا کرد (با عنوان مستضعفین) و طبقه بالا پایگاه اجتماعی خود را از دست داد (با عنوان مستکبرین). در این زمان به دلیل حاکمیت شرایط انقلابی، طبقه

www.SID.ir

Archive of SID

پایین (اکثریت) عمدتا طرفدار انقلاب و طبقه بالا (اقلیت) عمدتا با آن ناهمخوان بود. هنرمندان طبقه پایین و طبقه بالا نیز همین وضعیت را داشتند. به همین دلیل همراه با روند بسته شدن فضای باز سیاسی، از یک طرف هنرمندانی که با اصول و ارزش‌های انقلاب هم‌خوانی نداشتند از طرح مضامین حساسیت برانگیز سیاسی-اجتماعی تا حدود زیادی منصرف شده و به طرح مضامین خرد اجتماعی روی آوردند. در عوض شاهد افزایش زیاد مضامین اجتماعی خرد در برابر کاهش مضامین سیاسی-اجتماعی بودیم. این یک جور خودسانسوری محسوب می‌شود که برای امکان ادامه کار برای این گروه ضروری به نظر می‌رسید.

از طرفی هنرمندانی که خود حامل و حامی اصول و ارزش‌های انقلابی بودند، برای حفظ انقلاب و پرهیز از ایجاد یاس و ناامیدی در مردم و گسسته شدن وحدت و یکپارچگی ایشان، از پرداختن به نقاط ضعف و معضلات و مسائل سیاسی اجتماعی خودداری کرده و بیشتر در فکر طرح و تبلیغ آن اصول و ارزش‌ها در آثار خود برآمدند. این امر به دلیل کمرنگ شدن ارزش‌ها در مقطع چهارم، در بین این هنرمندان ضرورت بیشتری هم پیدا کرد. این هم موجب خودسانسوری از نوعی دیگر شد که بر اساس آن طرفداران نظام موجود از بیان نقاط ضعف و مسائل و مشکلات اقتصادی سیاسی و اجتماعی نظام خودداری کردند تا موجب تضعیف آن نشوند. آن‌ها به سوی سبک‌های غیررئالیستی و مضامین غیراجتماعی و عمدتا مذهبی، فلسفی، عرفانی رفتند و سعی کردند که جهت فرهنگی انقلاب و نظام اسلامی را با طرح و تبلیغ اصول و ارزش‌های انقلابی و سیاسی تقویت کنند، یا به مضامین جهانی و فارغ از زمان و مکان متوسل شدند که ایجاد تنش نکنند.

رابطه شرایط اجتماعی ایران در دوره ۱۲ ساله پس از انقلاب اسلامی با سبک و مضمون آثار

در مقایسه سبک‌ها و مضامین طرح شده در هریک از مقاطع مذکور مشاهده شد که رابطه مستقیمی میان آن شرایط و آثار هنری وجود دارد. اطلاعات مربوط به مجموعه نمایشنامه‌هایی که توسط ۲۰ نمایشنامه‌نویس طی ۱۲ سال نوشته شده بود از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد که در آن نویسندگان خود به سبک و مضمون آثارشان اشاره کردند. مجموع نمایشنامه‌های بررسی شده در این قسمت بنابراین ۱۲۶ نمایشنامه بوده است که یافته‌های زیر در مورد آن‌ها صادق است.

از نظر سبک (جدول شماره ۳)، باید گفت که در تمامی مقاطع مورد مطالعه سبک رئالیسم از نظر فراوانی بر سایر سبک‌ها برتری داشته و مجموعا ۶۵ نمایشنامه را شامل می‌شد. اما در کنار این غلبه، روند رو به رشدی از سایر سبک‌ها مشاهده شد.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره ۳: رابطه میان مقاطع چهارگانه و سبک آثار

مقطع / سبک	مقطع اول		مقطع دوم		مقطع سوم		مقطع چهارم		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
رئالیسم	۷	۵۴	۱۰	۴۷	۴۰	۵۶/۵	۸	۴۲	۶۷	۵۲/۵
اکسپرسیونیسم	-	-	-	-	۶	۸/۵	۱	۵	۷	۵/۵
سمبولیسم	-	-	۳	۱۴	۷	۱۰	۳	۱۶	۱۳	۱۰/۵
سوررئالیسم	-	-	-	-	۳	۴	-	-	۳	۲/۵
کلاسیسیسم	۳	۲۳	۳	۱۴	۱۵	۲۱	۷	۳۷	۲۸	۲۲/۵
پوچی	۳	۲۳	۵	۲۴	-	-	-	-	۸	۶/۵
جمع	۱۳	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۷۱	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰

از میان سبک‌های غیررئالیستی، سبک‌های کلاسیسیسم و پوچی در مقطع اول مطرح شدند. با توجه به این‌که در سبک کلاسیسیسم عمدتا یا از آثار ادبی-عرفانی-فلسفی اقتباس می‌شود یا تاریخ ملی و مذهبی مطرح می‌شود، وجود این سبک در مقطع اول این دوره نشان دهنده آغاز تاثیر عامل مذهب در هنرمندان است. در مقطع دوم، سبک پوچی در میان سبک‌های غیررئالیستی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده بود که این سبک از قبل از انقلاب (همانند سبک رئالیسم) در میان هنرمندان نمایشنامه‌نویس وجود داشته و در اینجا ادامهٔ آن مشاهده شد. در مقطع سوم، با افزایش سبک کلاسیسیسم، ظهور اکسپرسیونیسم و سوررئالیسم و افزایش سبک سمبولیسم مواجه بودیم که نشان دهنده روند افزایشی تاثیر عامل مذهب و ذهنی‌گرایی بوده است. ضمنا در این مقطع نسبت به سایر مقاطع بیشترین میزان سبک رئالیسم نیز به چشم خورد که این امر از یک طرف نشان‌دهنده ادامه یافتن سبک رئالیسم از قبل از انقلاب و سپس افزایش آن به واسطه عامل انقلاب است.

در مقطع چهارم باز هم با افزایش سبک کلاسیسیسم و سبک سمبولیسم و حذف سبک‌های پوچی و سوررئالیسم مواجه شدیم. نتیجه اینکه در میان سبک‌های غیررئالیستی، سبک‌های کلاسیسیسم و سمبولیسم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در طی دوره مورد نظر روندی افزایشی داشته‌اند. مقطع چهارم در مجموع نشان دهنده برتری سبک‌های غیر رئالیستی بر سبک رئالیسم بوده که این امر نیز نشان دهنده تاثیر بلند مدت عامل ذهنی و مذهبی انقلاب و افزایش این تاثیر نسبت به تاثیرات عینی انقلاب از یک طرف و برخورد بیشتر هنرمندان با جنبه‌های فرهنگی و ارزشی آن از طرف دیگر است. در طول این دوره مقداری از اهمیت سبک رئالیسم کاسته شده بود.

www.SID.ir

Archive of SID

در رابطه با مضمون (جدول شماره ۴)، می‌توان گفت مهم‌ترین مضمون طرح شده در نمایش‌نامه‌های مرتبط با مقطع اول که در آن وقوع انقلاب سایر عوامل را تحت‌الشعاع قرار داده بود و دارای فضای باز سیاسی نیز بود، متناسب با ویژگی‌های مذکور، مضمون انقلابی (سیاسی- اجتماعی) با ۴۳ درصد از سایر مضامین بیشتر مورد توجه نویسندگان بوده است.

در نمایش‌نامه‌های نوشته شده در مقطع دوم که جنگ عامل اصلی شد و فضای باز سیاسی رو به محدود شدن گذاشت، مشاهده شد که از میزان مضامین سیاسی-اجتماعی کاسته شده و به مضامین جنگی افزوده گردید. نیز در این مقطع به علت تقدس جنگ (دفاع مقدس) از یک طرف و تاثیر روح کلی این دوره ۱۲ ساله از طرف دیگر، مضامین فلسفی عرفانی با ۳۵٪ بیشترین میزان را دارا شدند. در مقطع سوم که با فضای بسته سیاسی و تسلط عامل اقتصادی-اجتماعی مشخص شده بود، شاهد کاهش قابل ملاحظه مضامین سیاسی-اجتماعی به نفع مضامین صرفا اجتماعی با ۳۵ درصد بودیم.

جدول شماره ۴: رابطه میان مقاطع چهارگانه و مضمون آثار

مقطع / مضمون	مقطع اول		مقطع دوم		مقطع سوم		مقطع چهارم		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سیاسی اجتماعی	۶	۴۳	۵	۲۵	۱۲	۱۷	۴	۲۰	۲۷	۲۱
جنگی	۲	۱۴	۵	۲۵	۴	۵/۵	۱	۵	۱۲	۹
اجتماعی	۱	۷	۳	۱۵	۲۵	۳۵	۳	۱۵	۳۲	۲۵
تاریخی	۳	۲۱	-	-	۱۷	۲۳/۵	۵	۲۵	۲۵	۲۰
فلسفی عرفانی	۲	۱۴	۷	۳۵	۱۴	۱۹	۷	۳۵	۳۰	۲۴
جمع	۱۴	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۷۲	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۱۲۶	۱۰۰

سرانجام در مقطع چهارم که گفتیم آغاز دوباره باز شدن فضای سیاسی بوده مشاهده شد که مضامین سیاسی-اجتماعی افزایش یافتند. از طرف دیگر به علت برخورد هنرمندان با مسئله جایگزینی ارزش‌های غیرانقلابی و غیرمذهبی با ارزش‌های انقلابی و مذهبی، شاهد تلاش هنرمندان نسل انقلاب جهت جلوگیری از ادامه این روند از طریق طرح این اصول و ارزش‌ها در آثارشان بودیم. نتیجه کلی که از یافته‌های بالا حاصل می‌شود این است که مضمون غالب در هر مقطع زمانی تابع شرایط اجتماعی همان مقطع بوده است.

www.SID.ir

Archive of SID

رابطه میان شرایط کلی حاکم در این دوره ۱۲ ساله با سبک و مضمون غالب دوره را نیز می‌توان در کلیت خود توضیح داد. وقوع انقلاب به طور کلی شراط جدیدی را در جامعه ایران ایجاد کرد که می‌توانست در آثار هنرمندان موثر واقع شود. این تاثیر دارای دو بعد اجتماعی و اعتقادی بود. از بعد اجتماعی، انقلاب فضایی ایجاد کرد که در آن بسیاری از حرف‌های ناگفته و ناشنوده می‌توانست طرح شود. انقلاب شرایط طرح موضوعات جدید و نو را فراهم کرد. موضوعاتی چون ظلم و ستم دوران گذشته و موضوعات مشابه، موضوعاتی در باب اختلاف طبقاتی و مقایسه اقشار مختلف اجتماع با یکدیگر، در مورد خود انقلاب، اصول و ارزش‌های آن در این دوره مطرح شدند. بنابراین برخورد بیشتر هنرمندان با واقعیت‌های جامعه موجب گسترش سبک رئالیسم و طرح مضامین اجتماعی در دوران پس از انقلاب گشت.

از بعد اعتقادی، نیز با توجه به این‌که انقلاب ریشه مذهبی و اسلامی داشت، تاثیری جداگانه بر هنرمندان گذاشت. هنرمندانی که پس از انقلاب اسلامی پا به عرصه نویسندگی گذاشتند و در واقع در بحبوحه انقلاب و در متن آن قرار داشتند، تحت تاثیر جنبه مذهبی آن، ابتدا خود به مطالعات مذهبی متمایل شده و سپس تاثیرات احساسی یا عینی مطالعات خود را در آثارشان به نمایش گذاشتند. این بُعد انقلاب باعث ایجاد و گسترش انواع سبک‌های غیررئالیستی و طرح مضامین غیراجتماعی و در عوض مذهبی و انسانی در دوران پس از آن گشت.

بنابراین آنچه به طور کلی در باب ۱۲ سال مورد مطالعه می‌توان نتیجه گرفت این است که آثار هنری این دوره به طور مستقیم یا غیرمستقیم متاثر از انقلابی است که در آغاز آن به وقوع پیوست و از طرفی با ایجاد شرایط مناسب جهت طرح مسائل تازه و از طرف دیگر با ایجاد و گسترش روحیه خداجویی در مردم و از جمله هنرمندان، باعث شد که دو روند اساسی در هنر نمایش‌نامه‌نویسی در پیش گرفته شود. روند اول که تحت تاثیر بعد اجتماعی انقلاب بود، عبارت است از گسترش سبک رئالیسم و مضامین اجتماعی و روند دوم که متاثر از بعد اعتقادی انقلاب بود، عبارت است از ایجاد و گسترش انواع سبک‌های غیررئالیستی که عمدتا دارای مضامین فلسفی، عرفانی، مذهبی و انسانی بودند. با این توضیحات می‌توان تایید کرد که شرایط اجتماعی دوره مطالعه چه در کلیت خود و چه در مقایسه با دوره‌های کوچکتر ذیل آن، بر سبک و مضمون آثار نمایش‌نامه‌نویسان اثر گذاشته و آن را تعیین می‌کردند.

www.SID.ir

Archive of SID

تحقیق دوم: مطالعه جامعه‌شناختی هنرمندان نمایش‌نامه‌نویس ساکن تهران (سال ۱۳۸۹)[1]

هنرمندان مورد نظر در این پژوهش افرادی هستند که در دهه‌های هفتاد و هشتاد شمسی در ایران در حیطهٔ نمایش‌نامه‌نویسی فعال بوده و آثاری را به رشته تحریر درآورده‌اند. جمعیت آماری ۱۷۵ نفر اعضای اداره تئاتر و نمونه مورد مطالعه ۷۵ نفر از این افراد بود. در این پژوهش از روش پیمایش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه همراه با مصاحبه استفاده شده است. به این ترتیب سبک و مضمون نمایش‌نامه‌های نوشته شده طی این ۲۰ سال تعیین شد. سپس با استفاده از روش مشاهده غیرمستقیم و اسنادی، تحولات جامعه ایران در دهه‌های هفتاد و هشتاد مطالعه شد. سرانجام رابطه میان شرایط اجتماعی و سبک و مضمون آثار مورد مطالعه قرار گرفت. سبک و مضمون آثار نیز با مطالعه نمایش‌نامه‌های پاسخ‌گویان، نظر خود آن‌ها و نیز نظر منتقدان تئاتر تعیین شده است. لازم به توضیح است که یافته‌های این تحقیق در جایی دیگر (راودراد، ۱۳۹۴) به چاپ رسیده است. به همین دلیل و برای جلوگیری از تکرار، خلاصه آن در ادامه ذکر می‌شود تا امکان مقایسه فراهم شود.

فرضیه‌های تحقیق عبارت بودند از:

۱- هنرمندان نمایش‌نامه‌نویس ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی مشترکی دارند.

۲- طبقه اقتصادی-اجتماعی هنرمند با سبک و محتوای آثار او رابطه دارد.

۳- شرایط اجتماعی-سیاسی جامعه با سبک و محتوای آثار هنرمند رابطه دارد.

در مورد فرضیه اول ویژگی‌های کلی نمایش‌نامه‌نویسان مانند سن، جنس، طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات، محل تولد، شغل و میزان تحصیلات پدر و مانند آن مورد مطالعه قرار گرفت و این فرضیه به این شکل تایید شد که اغلب نمایش‌نامه‌نویسان در سال ۱۳۸۹ مرد، در سنین میان‌سالی، متولد تهران و سایر شهرهای بزرگ، دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی، بیشتر در رشته‌های مرتبط با سینما و تئاتر، متاهل، دارای درآمد از طریق فعالیت‌هایی غیر از نوشتن نمایش‌نامه و دارای پدرانی از طبقه متوسط بودند که خود نیز اکثرا خانواده‌هایی در طبقه متوسط را شکل داده‌اند. بعلاوه، پدران اکثر نمایش‌نامه‌نویسان مشاغل هنری نداشته‌اند، بیشتر اعضای خانواده و بیشتر دوستان نمایش‌نامه‌نویسان نیز فعالیت هنری نداشته‌اند و تحصیلات اکثر پدران تا سطح مدرک دیپلم و پایین‌تر بوده است. مهم‌ترین عوامل در این مطالعه عامل جنسیت (به نفع مردان)، تحصیلات (به نفع دارندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی) و طبقه اجتماعی (به نفع طبقه متوسط) شناخته شد (راودراد، ۱۳۹۴: ۹۶).

[1]. این تحقیق در سال ۱۳۹۱ پایان یافته است.

www.SID.ir

Archive of SID

برای آزمون فرضیه دوم در پرسشنامه تحقیق از نویسندگان در مورد سبک و مضمون آثارشان سوال شد. همچنین برای تعیین طبقه اجتماعی اقتصادی آن‌ها از متغیرهای درآمد، تحصیلات، نوع منزل مسکونی، میزان مخارج ماهیانه و محل سکونت در تهران استفاده شد. در نهایت با پرسش از خود نمایش‌نامه‌نویسان درباره طبقه اقتصادی و اجتماعی خانواده پدری و نیز خانواده فعلی فرد این شاخص تکمیل شد.

نتیجه این شد که رابطه میان سبک و مضمون آثار با طبقه اجتماعی اقتصادی نویسندگان تایید نشد. به این معنا که صرفنظر از پایگاه طبقاتی، این نویسندگان «گروه نسبتا یک‌دستی را تشکیل می‌دهند که از نظر سبک به ترتیب اهمیت در سبک‌های غیررئالیستی، سپس در سبک رئالیسم و سرانجام در سبک‌های ترکیبی نمایش‌نامه می‌نویسند. همین‌طور از نظر مضمون در نمایش‌نامه‌هایشان به ترتیب اهمیت در موضوعاتی چون مسائل اجتماعی و جنگ، روابط انسانی و سایر مضامین می‌نویسند» (همان: ۹۹).

برای آزمون فرضیه سوم ابتدا شرایط سیاسی اجتماعی دوره ۲۰ ساله با تقسیم به سه دوره اصلی سازندگی، اصلاحات و اصولگرایی تشریح شد. سپس رابطه میان سبک و مضامین آثار با هر دوره در جدول دو بعدی سنجیده شد. انتظار این بود که سبک‌ها و مضامین غالب هر دوره با دوره دیگر تفاوت معنی‌داری داشته باشد. اما نتیجه آزمون نشان داد که « تفاوت معنی‌داری میان این متغیرها وجود ندارد. به عبارت دیگر صرف‌نظر از این‌که نمایش‌نامه‌ها در دوره سازندگی نوشته شده باشند یا دوره اصلاحات یا دوره اصولگرایی، سبک و مضمون آن‌ها در تعداد محدودی از دسته‌های محتوایی قابل طبقه‌بندی است که با تغییر دوره‌ها، تغییر معنی‌داری در نسبت آن‌ها مشاهده نمی‌شود» (همان: ۱۰۱).

ملاحظه می‌شود که یافته‌های دو تحقیق که به فاصله ۲۰ سال روی یک موضوع واحد انجام شده‌اند با یکدیگر تفاوت و اختلاف اساسی دارند. جدول شماره ۱۳ یافته‌های دو تحقیق را خلاصه کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره ۵: مقایسه رابطه طبقه اجتماعی اقتصادی نمایش‌نامه‌نویسان و شرایط سیاسی-اجتماعی با سبک و مضمون آثار

موضوع مقایسه	نتایج سال ۱۳۶۹	نتایج سال ۱۳۸۹
رابطه طبقه اقتصادی-اجتماعی با سبک و مضمون	طبقه اقتصادی بالا بیشتر با سبک رئالیسم و مضامین اجتماعی و طبقه اقتصادی متوسط و پایین بیشتر با سبک‌های غیررئالیستی و مضامین غیراجتماعی همراه بوده است.	میان طبقه اقتصادی نویسندگان و سبک و مضمون آثار رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.
رابطه شرایط سیاسی-اجتماعی با سبک و مضمون	فراوانی نمایش‌نامه‌ها بر اساس پارامترهای مسلط در هر مقطع زمانی بوده است.	میان شرایط سیاسی-اجتماعی با سبک و مضمون آثار رابطه معنی‌داری وجود نداشته است.

نکته مهمی که جدول شماره ۵ بر آن تاکید می‌کند روی دادن تغییرات اساسی در رابطه میان سبک و مضمون غالب نمایش‌نامه‌ها با طبقه هنرمندان و شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم است. این مقایسه نشان داد در حالی که سبک و مضمون آثار در سال ۱۳۶۹ تابعی بوده است از ویژگی‌های طبقاتی هنرمند و نیز ویژگی‌های سیاسی اجتماعی زمان، یافته‌های تحقیق سال ۱۳۸۹ چنین رابطه‌ای را تایید نمی‌کند.

به عبارت دیگر تحقیق متاخر نشان می‌دهد که یک جور یک‌دستی در میان نمایش‌نامه‌نویسان از هر نظر شکل گرفته است به طوری که توزیع نسبت سبک‌های رئالیستی و غیررئالیستی و مضامین اجتماعی کلان و مضامین اجتماعی خرد در آثار این نویسندگان، صرفنظر از طبقه اجتماعی آن‌ها و دوره‌های مختلف سیاسی جامعه، تقریبا یکسان است.

بحث و نتیجه‌گیری

در جستجوی علت یا علل این تغییر اساسی، می‌توان به شرایط کلی جامعه در سال‌های هر دوره و جایگاه هنر و هنرمندان در آن اشاره کرد. این شرایط کلی را در اینجا برای مقاصد تحلیلی می‌توان به ابعاد جزیی‌تر و دقیق‌تری تقسیم کرد. تفاوت در این ابعاد موجب شده جوامع مورد نظر دو تحقیق به شیوه‌ای اساسی از همدیگر متمایز شده و تاثیر آن در یافته‌های متفاوت دو تحقیق دیده شود. در اینجا شرایط کلی دو جامعه را از ابعاد مختلف با هم مقایسه می‌کنیم.

جدول شماره ۶: مقایسه شرایط کلی جامعه در دو دوره تحقیق

موضوع مقایسه	دوره اول	دوره دوم
شرایط سیاسی غالب	دولت انقلابی	دولت تثبیت شده منظم
شرایط اقتصادی	مشکلات اقتصادی زیاد	افزایش رفاه نسبی
هدف غالب نوشتن	ایدئولوژیک	زیبایی‌شناختی
رابطه میان مردم	دو قطبی انقلابی و ضدانقلاب	دیدگاه یک‌دست‌تر با مدارای بیشتر
رابطه کشور با جهان	محدود	گسترده
شرایط عمومی	ممیزی و کنترل	ممیزی و کنترل

www.SID.ir

Archive of SID

از نظر شرایط سیاسی، می‌توان گفت هر یک از دو تحقیق در شرایط سیاسی اجتماعی متفاوتی انجام شده‌اند که می‌تواند یافته‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. تحقیق اول در شرایطی انجام شده است که پس از انقلاب اسلامی، نظام جدید تازه شکل گرفته بود. جنگ ۸ ساله به ایران تحمیل شده بود و به همین دلیل نظام سیاسی هنوز به ثبات نرسیده بود. در چنین شرایطی نویسندگان به دو دسته طرفداران نظام جدید و نویسندگان دیگر تقسیم می‌شدند که هر کدام با انگیزه‌های متفاوت به نوشتن نمایش‌نامه مبادرت می‌کردند. در این دوره نویسندگان جوان‌تر که خود را انقلابی و طرفدار نظام جدید می‌دانستند، علی‌رغم وجود برخی کاستی‌ها در جامعه، به آن اشاره نمی‌کردند و سعی می‌کردند بعد فرهنگی نظام را با آثار فلسفی-مذهبی خود توسعه بخشند.

اما تحقیق دوم در شرایطی انجام شده است که با یک نظام سیاسی کاملا تثبیت شده روبه‌رو هستیم. در شرایط تثبیت شده دیگر طرفداری یا مخالفت به صورت افراطی وجود ندارد و به عنوان مثال حتی طرفداران هم خود را موظف می‌دانند نقاط ضعف را در آثارشان نمایش دهند و این کار را مغایر با تقویت نظام نمی‌دانند. همین‌طور غیرطرفداران نیز ناچارند با تن دادن به شرایط سیاسی تثبیت شده، خود را با آن هماهنگ کنند تا امکان فعالیت داشته باشند. به همین دلیل مواضع هنرمندان در دوره دوم به هم نزدیک شده و منجر به یک‌دست‌تر شدن آثارشان شده است. ضمن این‌که هر دو گروه نویسندگان در تحقیق دوم از وجود ممیزی در راه کار هنری خود گلایه داشتند. ممیزی باعث شده که اغلب نمایش‌نامه‌نویسان به سبک‌های غیررئالیستی و مضامین اجتماعی خرد روی آورند که ابهام و نمادگرایی مستتر در آن‌ها موجب رضایت خاطر نویسندگان می‌شود. رضایت خاطری که حاصل این تصور برای آن‌هاست که هم حرف خود را زده‌اند، هم طوری این حرف را زده‌اند که دچار ممیزی و سانسور نشوند.

از نظر شرایط اقتصادی، در دوره اول که بلافاصله پس از انقلاب و پایان جنگ ۸ ساله ایران و عراق است، بیشتر مردم دوران سختی را تجربه می‌کردند، تاسیسات زیربنایی دچار آسیب شده بود و کالاهای مصرفی و روزمره نیز به سختی به‌دست می‌آمد و مردم ناچار بودند با شرایط دشوار اقتصادی کنار بیایند. در این دوران به کسانی که از نظر اقتصادی وضعیت بهتری داشتند به آن اندازه سخت نمی‌گذشت که به سایر مردم می‌گذشت. به همین دلیل مسائل اقتصادی در میان نویسندگان طبقه پایین اولویت بیشتری پیدا کرده بود و موضوع بسیاری از نمایش‌نامه‌ها می‌شد. ولی در دوره دوم بیشتر مردم به رفاه نسبی دست یافته بودند. اگرچه اختلاف طبقاتی هنوز وجود داشت و فاصله بین غنی و فقیر زیاد بوده است، اما در مجموع با افزایش یک جور رفاه نسبی مواجه بودیم که باعث می‌شد حداقل در ظاهر و در خیابان مردم بیشتر به همدیگر شبیه باشند و رفتارهای یکسانی داشته باشند. نمایش‌نامه‌نویسان نیز مانند سایر هنرمندان از قشر متوسط جامعه هستند و

www.SID.ir

Archive of SID

این یک‌دستی در میان آنان شفاف‌تر است. به همین دلیل در دوره دوم در میان آنان با دو قطب متضاد که به موضوعات متفاوتی علاقه داشته باشند مواجه نیستیم و تقریبا همه نویسندگان به همه موضوعات علاقه نشان می‌دهند. با افزایش سطح تحصیلات هنرمندان به‌خصوص در رشته‌های هنری مرتبط، معیارهای زیبایی‌شناختی در آثارشان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و تاکید آن‌ها در آثارشان بیش از محتوا بر فرم گذاشته می‌شود. این نیز دلیل دیگری برای یک‌دست شدن آثار است.

تفاوت سوم این‌که اهداف غالب برای نوشتن در دوره اول اهداف ایدئولوژیک بوده است، به طوری که طرفداران انقلاب و نظام تازه شکل گرفته اسلامی برای پرهیز از این‌که با بیان مسائل و مشکلات اجتماعی در قالب سبک رئالیسم، نظام تازه تاسیس شده را تضعیف کنند، از این کار خودداری کرده و در عوض با استفاده از سبک‌های غیررئالیستی به تقویت ابعاد فرهنگی و ذهنی انقلاب می‌پرداختند. این در حالی بود که مخالفان یا حداقل بی‌طرفان با تمسک به سبک رئالیسم و بیان مسائل اجتماعی در صدد نقد نظام موجود بوده و وظیفه خود را افشاگری در مواردی می‌دانستند که نقاط ضعف وجود داشت.

اما در دوره دوم به دلایلی که در بالا نیز توضیح داده شد، با زندگی کردن در یک نظام اجتماعی تثبیت شده و افزایش سطح رفاه نسبی و ارتقاء سطح سواد عمومی جامعه، اهداف نمایش‌نامه‌نویسان بیش از آنکه ایدئولوژیک و مبتنی بر حفظ یا نقد نظام باشد، زیبایی‌شناختی شده بود. در واقع با تغییر موضوع نوشتن از یک هدف سیاسی به نوشتن به عنوان یک هدف هنری و زیبایی‌شناختی، قطب‌بندی موجود در دوره اول تحقیق، دیگر در دوره دوم معنا پیدا نمی‌کند و شباهت نمایش‌نامه‌نویسان به همدیگر بیشتر می‌شود. به همین دلیل است که صرفنظر از ویژگی‌های اجتماعی و نیز شرایط متغیر اجتماعی، سبک‌ها و مضمون‌های مشابهی میان این نویسندگان غلبه داشته است.

از طرف دیگر تمامی تغییراتی که در بندهای بالا به آن‌ها اشاره شده، تغییراتی را نیز در نوع روابط اجتماعی مردم با همدیگر به‌وجود آورد. در دوره اول رابطه مردم و حتی اعضاء خانواده‌ها بر مبنای نظرشان درباره انقلاب و جنگ سازماندهی شده بود. افرادی که دیدگاه‌های مشترکی در این زمینه‌ها داشتند از نظر فکری و روابط اجتماعی به هم نزدیک‌تر بودند و برعکس کسانی که در این زمینه‌ها اختلاف نظر داشتند از هم دور بودند، حتی اگر در یک خانواده و زیر یک سقف زندگی می‌کردند. به همین دلیل جامعه تقریبا دو قطبی شده بود و بنابراین هنرمندان نیز بر همین مبنا روی سبک‌ها و موضوعات متفاوتی کار می‌کردند و آثارشان با عقاید و روابط اجتماعی‌شان در رابطه بود.

اما در دوره دوم تحقیق، یک جور نگاه سهل‌گیرانه‌تر در مقایسه نظرات مختلف و متفاوت سیاسی اجتماعی و حتی گاه مذهبی در جامعه گسترش پیدا کرده است که بر مبنای آن افراد در عین‌حال

www.SID.ir

Archive of SID

که با هم دوست، خویشاوند و دارای روابط اجتماعی گسترده هستند، نظریات سیاسی و اجتماعی خاص خود را دارند و این مساله بر روابط آن‌ها تاثیر منفی نمی‌گذارد. به عبارت دیگر نوعی پذیرش نظرات مخالف و کنار آمدن با آن در میان مردم شکل گرفته که آثار آن را در میان نمایش‌نامه‌نویسان نیز می‌توان دید. این افزایش تساهل و تسامح و قدرت تحمل نظرات مختلف در جامعه به آنجا منجر شد که دیدگاه‌های افراد جامعه به هم نزدیک شده و در حوزه هنر هم به موضوعات و سبک‌های مشابهی منتهی شود.

یکی دیگر از دلایل مهم این یک‌دستی در میان مردم و هنرمندان، علاوه بر موارد توضیح داده شده در بالا، افزایش روابط بین‌المللی در فاصله دو تحقیق انجام شده است. در دوره اول که با آغاز شکل‌گیری و تثبیت نظام سیاسی جدید مواجه هستیم، روابط کشور به دلیل شرایط انقلابی با سایر کشورهای دنیا محدود شده و با بسیاری از کشورهایی که قبلا رابطه داشتیم قطع رابطه شده بود. ایران انقلابی آماج حمله قدرت‌های جهانی قرار گرفت که طالب روابط استعماری پیشین بودند و کسب استقلال ایران را مخالف با منافع سیاسی خود می‌پنداشتند. به همین دلیل در زمانی که نظام جدید، تازه شکل گرفته بود، جنگ با عراق را به ایران تحمیل کردند. جنگ به نوبه خود روابط ایران را محدودتر کرد و مردم ایران به نوعی در درون خود محصور شدند. قطب‌های افراطی شکل گرفته در جامعه همچنان فعال بودند و روابط اجتماعی محدود، به این قطب‌بندی‌ها دامن می‌زد.

اما در دوره دوم تحقیق با شرایطی مواجه هستیم که جنگ تمام شده، مشکلات اقتصادی تا حد زیادی حل شده، روابط میان مردم به دلیل افزایش رفاه اقتصادی و سطح عمومی سواد و تثبیت نظام سیاسی گسترده‌تر شده و مردم تساهل و تسامح بیشتری را در ارتباطات میان خود به نمایش می‌گذارند. در عین حال ایران در روابط بین‌المللی نسبت به گذشته انزوای کمتری دارد و روابط بین‌المللی گسترده‌تری را تجربه می‌کند. این تجربیات از روابط سیاسی گسترده تا روابط اقتصادی و رسآن‌های گسترده بین‌المللی را دربر می‌گیرد. استفاده از اینترنت و ماهواره در این دوره نسبت به تمامی دوره‌های قبل از خود بیشتر شده است. گسترش همین روابط است که در کنار سایر عوامل ذکر شده، نگرش مردم به نظام اجتماعی و نظام جهانی و نیز زندگی را به همدیگر نزدیک کرده و این نزدیکی در میان هنرمندان به هم شکلی و یک‌دستی آثار منجر شده است.

البته منظور از این یک‌دستی این نیست که همه در یک سبک می‌نویسند و موضوعات مشابهی را مطرح می‌کنند، بلکه منظور این است که ویژگی‌های این نویسندگان و نیز شرایط اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، دیگر مانند گذشته رابطه مستقیمی با سبک‌ها و مضامین آثارشان ندارد. سبک‌های مختلف و مضامین متنوع توسط نویسندگانی نوشته می‌شوند که بسیار به هم شبیه هستند و در شرایط اجتماعی یک‌دستی زندگی می‌کنند.

www.SID.ir

Archive of SID

در کنار عوامل پنج‌گانه فوق، یک عامل مهم سیاسی نیز وجود دارد که در هر دو دوره مشترک بوده است. نظام سیاسی تثبیت شده، مطالعه بر تمامی شئون جامعه و از جمله فرهنگ و هنر سیطره و کنترل وسیعی دارد. از طریق وضع قوانین یا عمل عرفی، موضوعات انتقادی کلان اجتماعی و سیاسی با ممیزی مواجه شده و از رسیدن به دست مخاطب بازمی‌مانند. نمایش‌نامه‌هایی که پا را از خط قرمزها فراتر می‌گذارند، امکان چاپ پیدا نمی‌کنند و به طریق اولی به صحنه تئاتر راه پیدا نخواهند کرد. نویسندگانی که در شرایط کنترل شده می‌نویسند، آن‌هایی هستند که یا خود موافق شرایط موجود هستند یا این‌که توانسته‌اند خود را با آن تطبیق دهند. این گروه دوم معمولا با استفاده از سبک‌های غیررئالیستی حرف‌های ناگفتنی خود را در لفافه رمزهای زیبایی‌شناختی بیان می‌کنند. آن‌هایی که نتوانسته‌اند با این شرایط کنار بیایند اصولا نمایش‌نامه‌نویسی را کنار گذاشته و به فعالیت‌های دیگری پرداخته‌اند.

این کنترل گسترده باعث شده است که جمعیت نویسندگان نمایش‌نامه باز هم یک‌دست‌تر شده و دنیای نمایش‌نامه‌نویسی از تکثر و تنوع کمتری برخوردار باشد. این محدودیت در سبک‌ها و مضامین، در یافته‌های هر دو تحقیق قابل مشاهده است که با توضیحات فوق مشاهده می‌شود در هر دوره دلایل متفاوتی داشته است.

در این مقاله نشان داده شد که جامعه و عوامل اجتماعی حداقل از دو جنبه بر هنر اثر می‌گذارد. اول، وضعیت طبقاتی هنرمندان به عنوان یک عامل اجتماعی بر سبک‌ها و مضامین هنری آن‌ها اثر می‌گذارد. دوم، شرایط اجتماعی یک جامعه در کلیت خود بر سبک و مضمون آثار هنری تاثیر دارد. بنابراین، در شرایط اجتماعی مختلف، می‌توان انتظار داشت که سبک‌ها و مضامین متفاوتی غلبه داشته باشند. این تاثیر گاه بسیار آشکار است مانند یافته‌های تحقیق اول و گاه بسیار پنهان و نیازمند تحلیل‌های بیشتر است تا بتوان رابطه را تشخیص داد، مانند یافته‌های تحقیق دوم. اما در هر صورت میان شرایط سیاسی اجتماعی و سبک‌ها و مضامین غالب آثار هنری در هر جامعه رابطه وجود دارد و این نکته‌ای است که ادبیات نظری تحقیق نیز بر آن صحه می‌گذارد.

منابع

اجلالی، پرویز (۱۳۷۴) «**جامعه‌شناسی فیلم‌های عامه‌پسند ایرانی: بازتاب دگرگونی جامعه در فیلم‌های سینمایی ایران (۱۳۹۰-۱۳۵۷)**»، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.

آرمین، امیر (۱۳۸۶) «**تغییرات اجتماعی و سینما در فاصله سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۸۴**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

حسن‌پور امیری، مهدیس (۱۳۸۸)، «**مطالعه قهرمان سینمای موج نو ایران**»، پایان‌نامه‌کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

www.SID.ir

Archive of SID

حسینی‌زاد، مجید (۱۳۷۴)، «**تحولات اجتماعی و سینمای ایران (مدخلی بر جامعه‌شناسی سینمای ایران)**»، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲) **رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دووینیو، ژان،(۱۳۷۹)، ***جامعه شناسی هنر***، مهدی سحابی، تهران، نشر مرکز.

راودراد و حیران‌پور (۱۳۹۱)، «تحولات بازتاب جنگ در سینمای ایران»، در ***جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران***، /نتشارات دانشگاه تهران.

راودراد، اعظم (۱۳۶۹)، **بررسی جامعه‌شناختی هنرمندان نمایش‌نامه‌نویس تهرانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

راودراد، اعظم (۱۳۹۱)، مطالعه جامعه‌شناختی هنرمندان نمایش‌نامه‌نویس ساکن تهران، ***معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.***

راودراد، اعظم (۱۳۹۴): «ویژگی‌های اجتماعی نمایش‌نامه‌نویسان ایرانی و تحولات آن، در ***مطالعات جامعه‌شناختی***، دوره ۲۲، شماره ۲.

رجبلو، علی و زهرا طهماسبی، (۱۳۹۰)، ساختار قشر بندی جامعه شهری ایران در دو دهه اول نظام جمهوری اسلامی ایران، ***دانشنامه علوم اجتماعی***، دوره ۳، شماره ۱.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۰): **گزارش عملکرد دولت (۱۳۸۰ـــ۱۳۷۶)**، تهـران: مرکـز مدارک علمی و انتشارات، ۱۳۸۰.

سید حسینی، رضا (۱۳۶۶): ***مکتب‌های ادبی***، تهران: انتشارات نگاه (نیل).

شادلو، عباس (۱۳۸۵): ***راه سوم در ایران و غرب***، تهران: نشر حکایت قلم نوین.

شهبازی، عبدالله، ۱۳۸۲، ناگفته هایی از انقلاب بررسی دو دهه دگرگونی ساختاری در ایران، ***نشریه زمانه***، شماره ۱۸ و ۱۹،

عیوضی، محمد رحیم، ۱۳۸۷، تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی نژاد، ***راهبرد یاس***، شماره ۱۴.

الکساندر، ویکتوریا (۱۳۹۰)، ***جامعه‌شناسی هنرها: شرحی بر اشکال زیبا و مردم‌پسند هنر***، ترجمه اعظم راودراد، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

گزارش جامع معاون اول رئیس جمهور از عملکرد دولت نهم و دهم، پایگاه تحلیلی و اطلاع رسانی صریح نیوز، مورخ ۱۳۹۱/۸/۴.

گلدمن، لوسین (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی ادبیات؛ جایگاه و مسائل روش»، در ***جامعه، فرهنگ، ادبیات: لوسین گلدمن*** (مجموعه مقالات)، گزیده و ترجمه محمد جعفر پوینده، نشر چشمه: صص ۳۷۸-۳۳۹.

گلدمن، لوسین (۱۳۷۱)، **جامعه‌شناسی ادبیات؛ دفاع از جامعه‌شناسی رمان**، محمد پوینده، انتشارات هوش و ابتکار.

www.SID.ir

Archive of SID

لوکاچ، گئورگ (۱۳۴۹)، ***معنای رئالیسم معاصر***، فریبرز سعادت، انتشارات نیل.

لوکاچ، گئورگ (۱۳۷۹)، ***نویسنده، نقد، فرهنگ***، اکبر معصوم بیگی، تهران: دیگر.

لوکاچ، گئورگ (۱۳۸۱)، ***نظریه رمان***، حسن مرتضوی، تهران: نشر قصه.

لوکاچ، گئورگ (۱۳۸۸)، ***رمان تاریخی***، امید مهرگان، تهران: ثالث.

لوکاچ، گئورگ (۱۳۸۴)، ***پژوهشی در رئالیسم اروپایی***، اکبر افسری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مرکز آمار ایران و گزارش عملکرد دولت در مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.

مهدیانی، علیرضا، سید حسن مرتضوی (۱۳۸۷)، سیمای نشر کتاب در ایران طی دو دهه اخیر، ***رهیافت***، شماره ۳۱.

میرزاده، حمید (۱۳۷۸)، ***آمار سخن می‌گوید***، تهران، ناشر حمید میرزاده.

نجفی فیروز جائی، عباس (۱۳۸۴)، دوران سازندگی /تحلیلی بر تحولات اجتماعی ـ سیاسی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۷۶ـ۱۳۶۸)، ***نشریه الکترونیکی معارف***.

نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی ایران در پنج گفتمان، ***فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی***، سال چهارم ، شماره ۱۳.

هاوزر، آرنولد (۱۳۷۵)، ***تاریخ اجتماعی هنر***، ابراهیم یونسی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

یحیی، فوزی (۱۳۸۴)، ***تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*** (۱۳۸۰ـ۱۳۵۷) (جلد دوم)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

Duvignaud, J. (1972***), The Sociology of Art,*** London: Paladin. Goldmann, L. (1964***), The Hidden God***, London: Routledge and Kegan Paul.

Lukacs, G. (1969), ***The Meaning of Contemporary Realism,*** London: Merlin Press.

Lukacs, G. (1974***), Writer and Critic and Other Essays***, New York: Grosset & Dunlap.

www.SID.ir